

## اوراق مهم منتشر نشده ای از نوع نگاه حاکمیت فارس به ملل و اقوام ایران

صفحات اسکن شده ای که اکنون در دسترس شما قرار دارد یکی از مقالات چهارمین فصلنامه علمی - تخصصی سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع جمهوری اسلامی (ساحفاودجا) می باشد که در سال 1380 به تعداد بسیار محدودی برای مطالعه اعضای ویژه این وزارت خانه تهیه و توزیع شده است.

اگرچه به نظر می رسد نور الله محمودی نویسنده مقاله « قومیت و قوم گرایی؛ چالش گذشته، حال و آینده » کوشیده است تا مفروضات مقاله خود را بیشتر موافق مذاق مدیران یونیفرم پوش وزارت دفاع فراهم کند اما بی شک مطالعه این مقاله می تواند بعنوان محکی برای تعیین نوع نگاه یکی از مهمترین وزارت خانه های ج.ا.ا. در قبال حیات فرهنگی و اجتماعی اقوام و ملل کشوری که امروز ایران نامیده می شود مورد استفاده فعالین ضد آپارتاید قرار گیرد. قبل از مطالعه این مقاله به خوانندگان عزیز توصیه می شود به نکات ذیل توجه کنند:

1. از نظر نورالله محمودی نویسنده این مقاله، قومیت و قوم گرایی مخصوص اقوام غیر فارس بوده و بنابراین فارس گرایی نه تنها قوم گرایی نیست بلکه معادل ایران گرایی تلقی می شود!
2. وی در مقاله خود از شناسایی حضور اجتماعی، فرهنگی و زبانی اقوام گیلک و طبری طفره رفته است.
3. نویسنده در تبعیت از ادبیات پان فارسیستی، هر نوع توجه اقوام و ملل ایران را به زبان، تاریخ و فرهنگ ملی خود در ذیل عنوان «چالش» (که یکی از شاخصه های اولیه تشکیل بحران و وقوع فاجعه است) بررسی کرده است.
4. محمودی در پیروی از ادبیات فاشیستی شهروندان ایران را نه براساس نوع زبان اقوام و ملل آن بلکه بر مبنای جدول مطلوب نژادی پان ایرانیستها تقسیم و تعریف می کند.
5. وی حتی در تعریف مبانی «نژاد» و «قومیت» از نا آگاهی بارزی برخوردار است. در شرایطی که موجودیت زبانی و قومی گروههای آریایی عمیقاً در معرض تردید قرار دارد او پندار «آریایی» را بعنوان نژاد تلقی کرده و به این ترتیب (حتی در صورت صحت این تلقی)، تعاریف علمی و مصادیق کنونی نژادی را در نزد نژاد شناسان به هم می ریزد. لازم به تذکر است که نژاد انسانها صرف نظر از برخی مشخصات استخوانی و ظاهری (عموماً در ناحیه سر)، عمدتاً مربوط به رنگ پوست آنها می باشد. به این ترتیب سه نژاد عمده زرد پوست، سفید پوست و سیاه پوست و بر اساس برخی نظرات دیگر سرخپوست در جهان امروز قابل تشخیص است. لذا مطابق چنین تعریفی، نژادی بنام آریایی وجود ندارد.
6. این مقاله بر اساس تعاریف غیر علمی نژاد پرستان فارس نوشته شده است. محمودی در صفحه 75 این فصلنامه در ذیل عنوان «اول: عوامل اجتماعی بحران قومیت، 1- تعدد و تنوع قومی» می گوید: «تنوع قومی تنها در ایرانی آریایی و غیر آریایی خلاصه نمی شود.» اساس این نوع تقسیم بندی خود حکایت از عمق نفوذ موهومات آریایی در ذهن نویسنده ای دارد که هر شهروند ایرانی را در قالب یکی از سه گروه (بی معنای) آریایی، غیر آریایی و مختلط تصور می کند. بنابراین با توجه به تعریف مغلوطی که نویسنده مقاله بر مبنای تلقی نژاد پرستانه اش از تقسیم شهروندان ایرانی در نظر گرفته است ضرورتاً همه مفروضات نژادی وی در خصوص اقوام و ملل ایران باطل خواهد بود.
7. در همین مبحث، گروههای آریایی مورد توجه آقای محمودی بصورت عجیبی در قالب مغلوطی از اسامی جغرافیایی و قومی دیده می شود. از نویسنده باید پرسید: با چه توجیهی می توان اهالی ساکن در جغرافیای اصفهان، فارس، همدان و یا یزد را با اقوامی چون بلوچ، تالش، کرد و یا لر یکسان فرض کرد و در یک تعریف به اصطلاح نژادی داخل نمود؟! همچنین نویسنده چگونه از حضور میلیونها ترک در مناطق همدان، فارس و اصفهان بی اعتنا رد شده است؟!!
8. نویسنده در صفحه 75 در ذیل عنوان «عامل جمعیتی» خواستار مشخص شدن آمار قومیتها گردیده است. این درخواست از طرف فعالین قومی نیز بارها طرح و تاکید شده است. به نظر می رسد تعیین آمار اقوام ایران خواسته ای عمومی است. اما به دلیل موضع گیریهای ضد قومی حاکمیت فارس، هر گونه آمار گیری قومی در ایران می باید بر اساس نظراتهای بین المللی صورت گیرد.

9. محمودی در صفحه 76 مقاله در ذیل عنوان «عوامل اقتصادی بحران قومیت» به چنین مسئله مهمی که در حال حاضر عامل حیات و ممانت اقوام و ملل ایران است تنها در چند سطر اشاره ای تلویحی کرده است.

10. وی در صفحه 77 فصلنامه مبین، نوع تقسیمات کشور را بدرستی یکی از عوامل اداری-سیاسی بروز بحران در ایران دانسته است. اما نویسنده خود به توصیه اش پایبند نیست و استان همدان با بیش از 70 درصد جمعیت ترک و آذربایجانی را به نژاد موهوم آریایی متعلق دانسته است!

11. وی در صفحه 77 در ذیل عنوان «عوامل آموزش بحران» از نظام تعلیم و تربیت ج.ا.ا. می خواهد تا در برنامه های آموزشی خود برای همه اقوام ایران هویتی واقعی تعریف و ارائه دهد. او محور این هویت را اسلام، مذهب تشیع و تاریخ ایران میدانند. این توصیه در نوع خود مثبت است. اما با توجه به اینکه کاملاً کلی است می تواند در مرحله اجرا بسیار متفاوت شود. در واقع در شرایطی که نظام تعلیم و تربیت ایران در قالب برنامه های سازمان یافته ای می کوشد تا از دوران پیش دبستانی تا اتمام تحصیلات دانشگاهی زبان بومی بیش از 55 میلیون نفر از اقوام و ملل ایران را (به رغم اصول قانون اساسی خود) با تحمیل زبان فارسی به قتل برساند و تاریخ پر افتخار آنان را تحریف و تحذیف کند دلخوش کردن به این قبیل توصیه های ضعیف و کلی (چند سال پیش) کاری بسیار کودکانه خواهد بود.

12. در صفحه 78 فصلنامه ذیل عنوان «اول قومیت ترک»؛ آذربایجانیها برخلاف رویه پان آریانیستی حاکم بر ایران نه با عنوان مجعول آنری بلکه با نام واقعی و تاریخی ترک معرفی شده اند. این امر بخودی خود مثبت است و نشان از تلاش نویسنده برای عبور از القای ات غیر علمی نژاد پرستان فارس طی هشتاد سال اخیر می باشد.

13. محمودی در همین مطلب (بدون ذکر جمعیت کل کشور در سال 1384) جمعیت ترکهای ایران را 25 میلیون نفر دانسته و آنها را با عنوان «اولین اقلیت قومی» کشور معرفی کرده است. او سپس آذربایجانیها را تنها ترکانی دانسته که متعلق به سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی هستند! طبعاً چنین تلقی ای از حدود جغرافیایی آذربایجان کاملاً پان فارسیستی است و با حقایق تاریخی سازگار نیست. در واقع آذربایجان ایران از نظر جغرافیای تاریخی در بر گیرنده مساحت عظیمی از سواحل دریای خزر در شرق تا مرزهای ترکیه و عراق در غرب است. آذربایجان جنوبی همچنین بی تردید استانهای تهران، قزوین، زنجان، مرکزی، شمال اصفهان، همدان و شمال و شرق استانهای کردستان و اردلان (کرمانشاهان کنونی) را نیز در بر می گیرد. چنین آذربایجانی از جمعیتی بالغ بر 30 میلیون نفر ترک آذربایجانی در سراسر ایران برخوردار است که همراه با اقلیتهای قومی فارس، تات، تالش، گیلک، کرد، لر، یهودی، آسوری و ارمنی به زندگی پر فراز و نشیب خود ادامه می دهند. بنابراین آذربایجانی نه تنها اقلیت قومی نیست بلکه در حد اکثریت مطلق است!

14. نویسنده در ذیل عنوان مطلب مذکور هر گونه تلاش هویت خواهانه ترکها را ناشی از تبلیغات ترکیه و جمهوری آذربایجان دانسته و بروز شکاف ترک - غیر ترک را در راستای منافع آنان تشخیص داده است. همچنین وی شعار «اقلیتهای قومی تحت ستم» را طراحی روس انگلیس برای تجزیه ایران تلقی کرده است!

15. محمودی در بررسی حماسه قیام شهید شیخ محمد خیابانی دچار پیش داروری شده و حماسه مذکور را یک نوع قیام غیر قومی دانسته است. این طرز تلقی بلاشک مبتنی بر نادیده گرفته شدن نطقها و اعمال دموکراتهای عهد خیابانی است.

16. نویسنده در قبال تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان و نیز بر پایی حکومت یک ساله آذربایجان جنوبی بر خلاف ادبیات رایج پان فارسیستها از فحاشی فاصله گرفته و در صفحه هشتاد فصلنامه در این باره نوشته است: «تاسیس یک واحد ترک زبان در چار چوب کلی ایران به صورت یک ارمان دیرینه برای ترکها وجود داشته که این ارمان اگر چه بالضروره خشونت زا نیست ولیکن در صورت بی توجهی به آن و یا برخورد کاملاً منفی می تواند با فعال شدن پوشش سیاستهایی از قبیل تبعیض و یا سلطه فارس بر ترک تشنجاتی را دامن بزند».

17. او در مبحث فرقه دموکرات آذربایجان کوچکترین اشاره ای به نسل کشی هولناک اواخر سال 1325 شمسی در آذربایجان توسط ارتش فارس اعلیحضرت اریامهر (!) ننموده و هیچ جمله ای از اقدام نفرت انگیز فارسها در به آتش کشیدن صدها هزار جلد کتابی که به زبان ترکی آذربایجانی نوشته شده به میان نیاورده است.

18. وی پراکندگی ترکها در سطح ایران را بعنوان یک فرصت برای حاکمیت دانسته و تلویحا خواهان افزایش این پراکندگی شده تا به این ترتیب مانع از شکل گیری یک قطب عظیم قومی از ترکها در آذربایجان گردد.
19. وی در ادامه مطلب خود تشکیل حزب خلق مسلمان به تبعیت از آیت الله العظمی شریعتمداری و نیز بروز برخوردهای خونین قم، تهران و آذربایجان را در سالهای اول انقلاب آتش فتنه نامیده است که نشان از تعلقات شدیداً ایدئولوژیک نویسنده و یا دست کم خوانندگان مطلب او در وزارت دفاع دارد.
20. محمودی در ذیل عنوان «دوم» قومیت کرد» جمعیت کردها را 4 تا 5 میلیون نفر دانسته که به نظر می رسد حاوی اغراق مشهودی است. در واقع جمعیت کردها کمتر از عربها، لر، گیلکها و مازندرانی ها است. به نظر می رسد کل جمعیت این گروه قومی در حدود 3.5 میلیون نفر می باشد.
21. محمودی در ادامه این مطلب جمعیت کردها را در سراسر منطقه در حدود 30 میلیون نفر تخمین می زند. اما وی از بیان چنین تخمینی برای جمعیت ترکها و آذربایجانیها خودداری کرده است!
22. محمودی اقدامات اسماعیل آقا سیمیتقوی کرد را تحت عنوان جنبش معرفی کرده و آن را تنها عامل تهدید کننده تمامیت ارضی ایران دانسته است. به این ترتیب نویسنده کوچکترین اشاره ای به جنایتهای هولناک و نسل کشیهای مخوف این جنایتکار خون آشام در قبایل صدها هزار ترک آذربایجانی نکرده است.
23. در این مقاله اگرچه در قبایل نسل کشیهای متناوب نزدیک به یک میلیون آذربایجانی توسط دانشناکهای ارمنی، شوونیستهای فارس و فاشیستهای کرد کاملاً سکوت شده اما خوشبختانه قتل عامهای دهشتناکی که طی یکصد سال اخیر در قبایل لرها و بلوچها توسط دولت مرکزی به وقوع پیوسته به رسمیت شناخته شده است.
24. محمودی به قوم پر افتخار ترکمن بهای خاصی نداده و این قوم سرفراز را در مبارزات خود فاقد ایدئولوژی و اهل سویی استفاده دانسته است!
25. نویسنده بصورت مشکوکی از از کنار میلیونها ترک قشقایی، ترک خراسان و ترک کرمان... طفره رفته است و هیچ اشاره ای به مبارزات قهرمانانه قشقاییها در برابر حکومتهای جابر هشتاد ساله گذشته ننموده است.
26. راهکارهای محمودی برای چاره جویی جهت حل بحرانهای قومی (صدر صفحه 91) اگرچه جالب توجه است اما به هیچ وجه کافی نیست. او کوچکترین اشاره ای به حقوق مسلم فرهنگی و زبانی سه پنجم از جمعیت غیر فارس ایران نمی کند و اساساً در پنجمین راهکار پیشنهادی خود خواهان ایجاد نظام آموزشی فراگیر و کار آمد برای آسیمیلاسیون بیشتر نسل جدید اقوام و ملل ایران شده است.
27. محمودی در نتیجه گیری خود گسلهای قومی فارس با غیر فارس و گسستههای مذهبی شیعه با غیره شیعه را از مسائلی دانسته که می تواند دست مایه بیگانگان قرار گیرد. او هرگز نمی خواهد به پذیرد که قیام ملی اقوام و ملل ایران تماماً ریشه در درون مرزهای این کشور دارد.

در پایان به خوانندگان گرامی توصیه می شود که این مقاله بخصوص جدول صفحه 90 آنرا بعنوان نوع نگاه حاکمیت فارس به اکثریت مطلق جمعیت کثیرالمله ایران به دقت و حوصله بیشتر مطالعه کنند.

با تشکر پژمان د.



۴

شماره چهارم : سال ۱۳۸۰

# نُسخین

فصلنامه علمی ، تخصصی

سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع

- سرمقاله
- کلام نور
- کلیات جمع آوری
- جاسوسی از نگاهی دیگر
- جایگاه توریه در حفاظت اطلاعات
- سازمان ملی اطلاعات ترکیه
- پیرامون سازمان منافقین
- قومیت و قوم گرایی
- حوادث ۲۰ شهریور (۱۱ سپتامبر) آمریکا
- جاسوسی چرا؟
- جدول اطلاعاتی

## قومیت و قوم‌گرایی؛

### چالش گذشته، حال و آینده

گردآورنده: نوراله محمودی

مسئله قومیت امری است که ریشه در تاریخ یک کشور دارد. در دنیای جدید چالش اساسی فراراه دولت‌ها می‌باشد. کشور ایران با توجه به سابقه تاریخی و سنتی از این امر مستثنی نبوده و از قومیت‌های مختلفی تشکیل شده است. هجوم اقوام و گروه‌های مختلف به این کشور به نحوی از انحاء این مسئله را تشدید نموده است. هنگامیکه قومی حاکم می‌شد و حاکمیت را بدست می‌گرفته اقوام دیگر این امر را تحقیری علیه خود می‌دانستند و این باعث می‌شد تا با قوم حاکم به ستیز بپردازند. قومیت‌هایی که در کشور ایران زندگی می‌کردند، مادامیکه منافع خود را در خطر نمی‌دیدند و احساس می‌کردند که می‌توانند به منافع خود دست یابند با حکومت مرکزی وارد جنگ نمی‌شدند و حتی در جنگ‌ها سپر بلای حکومت می‌شدند. ترکها،

قومیت و قوم‌گرایی؛ چالش گذشته، حال و آینده \_\_\_\_\_ ۷۳

کردها، لرها، بلوچها، ترکمنها و عرب‌های قومیت‌های مطرح در گذشته و حال هستند. سوابق تاریخی بر این امر صحنه می‌گذارد. پرواند آبراهامیان می‌نویسد: در اواخر قرن ۱۹، جمعیت ایران در فلات مرکزی عمدتاً فارس‌زبانان و آمیخته‌ای از چادرنشینان غیرفارس‌زبان یعنی قشقایی‌ها و لرهای بختیاری، افشارها و عربها و لرهای ممسنی بود. در نوشته‌ای که در پیش روی دارید، پس از تعریفی از قومیت، به عوامل یا ریشه‌های بحران اجتماعی قومیت، خواهیم پرداخت و پس از ذکر تاریخچه‌ای از قومیت‌های مطرح، اجمالاً نکاتی را به عنوان چارچوبی برای حل مسئله بحران قومیت یادآوری خواهیم کرد.

### تعریف قومیت

هویت قومی مجموعه خاصی از عوامل عینی و ذهنی فرهنگی و اجتماعی و عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد. قومیت یک گروه انسانی - نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌ای (در چارچوب یک شاخه بزرگ نژادی) برخوردار است، به قسمی که حتی از دیگر گروه‌های نژاد خود قابل تشخیص و تفکیک می‌گردد. به همین دلیل گاهی همین گروه قومی تبدیل به یک گروه ملی یا معادل آن می‌شود.

و یا تعریف ساده‌ای که آنتونی اسمیت از قوم نموده است: عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با افسانه‌های اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت

### ۱) عوامل بحران هویت قومی

تعدد نژادی و قومی در جامعه ایرانی نه تنها زمینه‌های تاریخی کنونی را برای بحران هویتی مورد بحث بوجود آورده، بلکه عوامل اجتماعی، اقتصادی، اداری، سیاسی، فکری، جغرافیایی و اقلیمی نیز این بحران جهت و شکل داده و آن را از قوه

قومیت و قوم‌گرایی؛ چالش گذشته، حال و آینده

به فعل در آورده است.

### اول: عوامل اجتماعی بحران قومیت

۱- **تعدد و تنوع قومی:** تنوع قومی تنها در ایرانی آریایی و غیرآریایی خلاصه نمی‌شود و می‌توان به طور عام سه گروه به اصطلاح نژادی را در ایران نام برد که هیچیک از آنها نمی‌تواند خالص باشد.

- گروه آریایی‌های ایرانی اجمالاً شامل اصفهانی، بختیاری، بلوچ، تالش، طبری، دیلمی، لُر و کرد، فارس، همدانی و یزدی است.

- گروه ایرانیان غیرآریایی شامل مردمان ترک، قشقایی، ترکمن، مغولها، ارمنیان و سرانجام سایبها یعنی عربها، یهودیها و آشوریها است.

- گروههای مختلط

۲- **تعدد و تنوع زبان و گویش:** زبانهای رایج عبارتند از: فارس، ترکی، کردی، لری، عربی و گویشهای فراوان مثل گیلکی و ...

۳- **تنوع و تعدد دینی و مذهبی:** مثلاً دین اسلام که شامل فرقه‌های مختلفی مثل شیعی و سنی که هر کدام به فرقه‌های دیگری هم تقسیم می‌شود و همچنین زرتشتی، ارمنی - یهودی، مسیحی (ارمنی و آشوری)

۴- **عامل جمعیتی:** منظور از این عامل تنها تعداد آماری گروه قومی است نه الزاماً سایر ویژگیهای جمعیتی.

مشخص شدن آمار قومیتها دو حسن دارد: یکی برنامه‌ریزی صحیح توسط مسئولان دولتی و دوم عدم اغراق در بیانهای قومیتها. پس فقدان آمار رسمی در این زمینه حداقل دوگروه را به تخمین غیرواقعی و افسانه‌سرائی واداشته است. یکی مسئولان دولتی و دوم آحاد و افراد اقلیتهای قومی و روشنفکران وابسته به آنها را.

۵- نام و نشان تحمیلی: این مشکل ریشه در دوره دوم رژیم پهلوی دارد.

۶- منشأ قومی نژادی ناهمگون نخبگان سیاسی: این امر اختلاف نظر در یک دید واحد به مسئله قومیتها را ایجاد می نماید.

۷- تبعیضها و پیش داوریهای قومی: آدمیان می توانند با کمبودها بسازند ولی سازگاری آنان با تبعیض ممکن نیست.

۸- ناهمگونی مخالفان سیاسی: مخالفان یا اپوزیسیون خود به گروههای مختلف قومی و سیاسی و دینی مربوط می شوند.

۹- روشنفکران پریشان و وابسته: بعضی از روشنفکران نه تنها از تاریخ و جامعه معاصر ایران آگاهی علمی و واقعی ندارند، بلکه به اشکال مختلف سبب گمراهی دیگران می شوند، زیرا که خود دچار آشفتگی فکری هستند.

### عوامل اقتصادی بحران قومیت

تبعیض و تضاد در پهنه زمین همراه همیشگی جامعه انسانی بوده است که این یادآور این شعر باباطاهر است که:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون      از او پرسم که این چین و آن چون  
یکی را داد وای صد ناز و نعمت      یکی را قرص جو آلوده در خون

باید گفت این چرخ گردون نیست که این شرایط را ایجاد کرده است بلکه این رژیمهای سیاسی هستند که می توانند شرایط مناسب را بوجود آورند. در باب قومیتها می بینیم که بسیاری از مناطق کشور همچنان با مسائلی درگیرند که از گذشته دور به ارث برده اند. اضافه بر این نبودن خط مشی واضح در سیاست داخلی در برابر

۷۶ \_\_\_\_\_ قومیت و قوم گرایی؛ چالش گذشته، حال و آینده



اقلیتهای قومی و نیازهای منطقه‌ای و استانی آنها، آنان را نسبت به دستگاه حاکم دچار بدبینی ساخته است.

### عوامل اداری - سیاسی بحران

۱- تغییر پایتخت و تعدد آن در طول تاریخ

۲- تقسیمات کشوری

۳- ضعف شبکه‌های ارتباطی

### عوامل آموزش بحران

نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران باید محور کار خود را بنحوی تنظیم نماید که بتواند یک هویت واقعی به تمام افراد جامعه ارائه دهد و قوم‌گرایی در مرحله اول تفکرات یک انسان قرار نگیرد. محوری که می‌تواند اساس آن بر اسلام و مذهب تشیع و تاریخ ایران باشد.

### عوامل طبیعی و جغرافیایی (نقش اقلیم و آب و هوا)

نفی دین توسط بعضی عناصر بعنوان مبدأ فکری همه‌گیری عامه پسند با توجه به تنوع و تعدد نژادی، قومی، فرهنگی، زبانی، گویشی، اقلیمی، مذهبی و ایدئولوژیکی در ایران و جامعه دیرینه، ضرورت خاص دارد که جامعه ایرانی به عنوان یک ملیت واحد پیش و کم به یک مبدأ یا اصل یا شعار همه‌گیر و عامه‌پسند تعلق یابد تا در پرتو آن تضادها و اختلافهای موجود گروهی تحت الشعاع قرار گیرد. این مبدأ ناسیونالیسم فارس یا آریایی نیست بلکه مبدأ اصلی باید دین مبین اسلام باشد و به ناسیونالیسم به عنوان یک عامل فرعی نگریست.

هرکه را مهر وطن در دل نباشد کافر است      معنی حب الوطن فرموده پیغمبر است

ملک الشعراء بهار

## ۲) تاریخچه‌ای بر قومیت‌های مطرح در ایران

اگرچه ایران کشوری با اکثریت فارسی زبان می‌باشد ولیکن وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تأثیرات شگرف آنها بر سیر تحولات تاریخی و بروز بعضی از حوادث خشونت‌بار، واقعیتی است که نباید نادیده انگاشته شود. بر این اساس، جهت پیش‌بینی وضعیت امنیتی کشور در سالهای آتی و طراحی یک الگوی امنیتی مناسب، توجه به این تجربه تاریخی کاملاً ضروری می‌باشد.

### الف) تجربه تاریخی

گسستهای ششگانه قومی به شرحی که می‌آیند، در ایران به یک اندازه فعال نبوده‌اند و همین مطلب می‌تواند ما را در آسیب‌شناسی رفتار سیاسی اقوام در ایران یاری رساند.

### اول) قومیت ترک (۳۵)

ترکها با جمعیتی بالغ بر ۲۵ میلیون نفر، اولین اقلیت قومی مطرح در ایران به شمار می‌روند. ترکها از حیث جغرافیایی اگرچه در مناطق مختلف ایران پراکنده هستند ولیکن شمال غرب ایران از دیرباز حوزه اصلی سکونت ایشان را شکل داده و هم اکنون نیز اردبیل، آذربایجان غربی و شرقی سه استان بزرگ ترک‌نشین<sup>(۱)</sup> می‌باشند. آذربایجان ایران بزرگترین بخش سرزمینهایی را تشکیل می‌دهد که امروزه نام آذربایجان بر آنها اطلاق می‌شود و این مطلب در مقایسه با دو قوم بلوچ و کرد، شاخص و مهم است. با عنایت به وضعیت نسبتاً خوب اقتصادی منطقه، تأثیر عوامل مادی در بروز خشونت‌های قومی چندان بارز نیست و زبان، نقش محوری دارد. ترکها اگرچه تعلق خاطر زیادی به زبان فارسی دارند ولیکن عمده گرایشهای ناسیونالیستی ترک با حمایت نیروهای خارجی بر همین محور شکل گرفته‌اند.

(۱) منظور ترک زبانان آذری است. (ویراستار)

آذربایجان که در دوره قاجاریه نقش پایتخت سیاسی دوم ایران را ایفا می‌کرد و ولیعهد غالباً در آن جا سکونت داشت، در عمده تحولات ایران دخیل بوده و از این بابت بدیهی است که گسست ترک - فارس باید در پیش‌بینیهای مربوط به درصد رفتارهای خشونت‌آمیز لحاظ شود. به منظور دستیابی به یک نتیجه‌گیری جامع در این زمینه، توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید:

۱- تعمیق شکاف ترک، غیر ترک، از جمله اهداف اصلی قدرتهای خارجی است. برای مثال ایده تأسیس «ترکیه بزرگ» و یا «آذربایجان سوسیالیستی» را داریم که غرض از آنها تشویق ترکهای ایران به سوی ناسیونالیسم ترکی و دست یازیدن به فعالیتهای استقلال طلبانه در مقابل حکومت مرکزی بوده است. طرح و رواج شعار «اقلیتهای قومی تحت ستم» در ایران، از جمله روشهایی بوده که روس و انگلیس برای نیل به اهداف خود، بدان دست زده‌اند، بنابراین فشار و حمایت خارجی در این زمینه با عنایت به همجواری مناطق ترک‌نشین چون ترکیه و یا جمهوری آذربایجان که طول نوار مرزی ایران با آنها به ۱۲۵۳ کیلومتر می‌رسد، بسیار زیاد می‌باشد.

۲- ترکها برخلاف آن چه گمان می‌رود، از حس ناسیونالیستی بالایی نسبت به ایران برخوردار هستند، به گونه‌ای که آرمانهای ملی و مذهبی، آنها را به ایران پیوند زده و مشاهده می‌شود که چندان مایل به استقلال طلبی نبوده‌اند بنابراین قابلیت وقوع درگیری در این بعد چندان زیاد ارزیابی نمی‌شود، برخلاف ایده‌های خودمختارانه که از اقبال بیشتری برخوردارند. در این باره تحلیل ماهیت واقعی پدیده‌های خشونت‌بار زیر می‌تواند روشنگر و مؤید مدعای ما باشد:

#### مورد اول: قیام شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۸ هجری شمسی، ۱۹۲۰ میلادی)

اگرچه شیخ توانست بنیان یک حکومت خودگردان به نام «آزادیستان» را در تبریز، بگذارد ولیکن انگیزه اصلی این واقعه خونین را درخواستهای قومی تشکیل نمی‌داد؛ بلکه بالعکس، خیابانی در مقابله با نقشه خائنانه و ثوق‌الدوله برای سرکوب نمایندگان آزادیخواه و فرقه دموکرات در سال ۱۲۹۹ - که به زعم وی لطمه‌ای جبران‌ناپذیر بر

امنیت ایران به حساب می‌آمد - دست به این عمل زد؛ از این رو در بیانیه رسمی حکومت شش ماهه آنها هیچ‌گونه شعار قومی نیامده بود و حتی آرمان کلان تشکیل رژیم مشروطه برای کل ایران مطرح گردیده بود که دیدگاههای قومی را نفی می‌کرد. انتخاب عنوان آزادیستان و نه مثلاً آذربایجان که دارای بار قومی بالا و مؤثری بود و یا «ایالت» قلمداد کردن «آزادیستان»، ادله دیگری بر صحت مدعای ما می‌باشد.

### مورد دوم: فرقه دموکرات آذربایجان

تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان در شهریور ۱۳۲۴ به رهبری جعفر پیشه‌وری اگرچه از جمله مهم‌ترین فعالیتهای قومی در حوزه ترک‌زبانان ایران به شمار می‌آید، ولیکن رشد و گسترش آن را به میزان زیادی باید تابع ملاحظات بین‌المللی دو ابرقدرت آمریکا و شوروی دانست. به هر حال حوادث سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ حکایت از قابلیت فعال شدن این گسست و بروز وقایع خشونت‌بار دارد.

در مجموع، قوت‌گرایشهای ملی - مذهبی ترکهای ایرانی، پراکندگی‌شان در شهرهای مختلف کشور و مهمتر از هم همگنی مذهبی ایشان و سهمی بودن‌شان در ساختار قدرت سیاسی - اجتماعی، مانع از آن شده که این گسست در جهت فعالیتهای استقلال طلبانه فعال گشته، به گسستی هویتی بدل شود که نتیجه آن جز خشونت‌ورزی چیز دیگری نمی‌تواند باشد. اما از طرف دیگر، دستیابی ترکها به قدرت سیاسی - اجتماعی و اعمال برخی از سیاستهای تبعیض‌آمیز به ویژه در دوران پهلوی، منجر به تقویت تمایل خودمختاری در آنها شده است. بدین صورت که تأسیس یک واحد ترک‌زبان در چارچوب کلی ایران، به صورت یک آرمان دیرینه برای ترکها وجود داشته که این آرمان اگرچه بالضروره خشونت‌زا نیست ولیکن در صورت بی‌توجهی به آن و یا برخورد کاملاً منفی، می‌تواند با فعال شدن پوشش سیاستهایی از قبیل «تبعیض» و یا «سلطه فارس بر ترک»، تشنجاتی را دامن بزند. ضمناً تجربه تاریخی بیانگر این واقعیت است که اگر تعلقات و آرمانهای عالی ملی - مذهبی نیز مورد تهاجم واقع شود و به خطر افتند، ترکها از خود واکنش نشان داده، همدوش

سایر شهروندان وفادار برای مقابله وارد عمل می‌شوند و این حضور تا مرحله درگیری رسمی بین دولت مرکزی و مردم نیز می‌تواند به پیش برود. نمونه بارز این امر را می‌توان در نقش سازنده ترکها در جریان مشروطه ملاحظه نمود و این که چگونه قومیت ترک در خدمت مصالح عالی مذهبی و ملی قرار می‌گیرد. نمونه دیگر مربوط به پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌شود که آیت‌اله شریعتمداری اقدام به تأسیس حزب «جمهوری خلق مسلمان» در مقابل تأسیس حزب «جمهوری اسلامی» به دست امام علیه السلام می‌نماید. این واکنش اگرچه در بدو امر حوادث خشونت‌باری را در قم، تهران و آذربایجان به دنبال داشت ولیکن به زودی به نفع آرمانهای عالی امام علیه السلام فروکش می‌نماید و بدین ترتیب آتش فتنه به زودی خاموش می‌گردد.

### دوم) قومیت کرد (۳۶)

جمعیت ۴ تا ۵ میلیونی کردها بیشتر در آذربایجان غربی، کرمانشاه، همدان، کردستان و در مجموع از ضریب پراکندگی کمتری نسبت به ترکها برخوردارند. وجود چنین انسجام و همبستگی‌هایی است که زمینه مناسب را برای فعال شدن هر چه بیشتر گسست کرد - فارس فراهم ساخته است. ناسیونالیسم کرد ریشه و عمق تاریخی قابل توجهی دارد و آثار ناشی از آن به ویژه در قرن ۱۹ به خوبی قابل مشاهده است. از جمله عوامل مؤثر در خصوص میزان فعالیت گسست فوق می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- تمرکز جمعیتی: عدم پراکندگی در شهرهای مختلف و اجتماع در یک منطقه کوچک و مشخص.
- ۲- امکانات اندک: وضعیت نامناسب آموزش و پرورش، بهداشت، اقتصاد و...
- ۳- موقعیت جغرافیایی: شرایط منطقه به گونه‌ای است که گروههای معارض آن را برای اختفاء و استمرار مبارزه مناسب می‌یابند؛ از این رو مشاهده می‌شود که اکثر گروهها در موقعیتهای دشوار فعالیت‌شان با عزیمت به کردستان، وسعی در بهره‌وری

چهار محال و بختیاری، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد ساکن هستند، تلاش سیاسی قابل توجهی داشته‌اند؛ از آن جمله:

مورد اول) شورشهای پیوسته عشایر سگوند، حنوند، بیرانوند و دیرک وند در مقابل حکام قاجار به ویژه تا روی کار آمدن ناصرالدین شاه که پیوسته وجود داشته است.

مورد دوم) خیزش عمومی لرها بر ضد ناصرالدین شاه که به زور اسلحه توانسته بود تمامی لرها را به فرمان خود در آورد. در این زمان ضل السلطان حسینقلی ابوقدار، شاهزاده مستبد و خونریز قاجاری بر امور لرها مسلط شده بود که فوت او، عرصه را برای شورش فراهم آورد و لرها مجدداً تقاضای خودمختاری خود را مطرح ساختند. مورد سوم) در جریان مشروطه اگرچه لرها در مقابل مشروطه خواهان قرار داشتند ولیکن، این جنبش پس از پیروزی خود نتوانست لرها را تحت فرمان خود در آورد و در نتیجه مشاهده می‌شود که تا زمان رضاشاه، فارغ از قید و بند حکومتی بوده و به شکل خودمختارانه‌ای عمل می‌کرده‌اند.

مورد چهارم) در دوره رضاشاه نیز برخورد لرهای پیشکوه و پشتکوه با نیروهای دولت مرکزی، فجایع خونینی را آفرید که نمونه آن رادر میان سایر اقوام در ایران به ندرت می‌توان یافت.

### پنجم) قوم بلوچ (۳۹)

بلوچها عمدتاً در جنوب شرقی ایران (استان سیستان و بلوچستان) ساکن می‌باشند و از ویژگیهای بارز آنها یکی کمبود امکانات رفاهی و معیشتی‌شان و دیگری سنی بودن آنهاست. البته یک اقلیت ۲ تا ۳ درصدی از شیعه نیز وجود دارد که در مقایسه با کل سنی مذهب چندان نقش آمیز نیستند. تعداد بلوچهای ایران به دو میلیون نفر بالغ می‌شود که به خاطر تراکم شکاف قومی به واسطه دو شکاف مذهبی و اقتصادی، از جمله شکافهای فعال در ایران به حساب می‌آید. همجواری بلوچهای ایران با بلوچهای افغانستان و به ویژه مرکز عمده بلوچها در پاکستان - که فعالترین

بلوچها به حساب می آیند - تأثیر بسزایی در ظهور گرایشهای سیاسی در این منطقه دارد. از جمله مصادیق سیاسی مهم فعالیت این شکاف، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تیرگوبهای خشونت‌پار اقوام بلوچ به دست رضاشاه در سال ۱۳۰۶.
- شورشهای محلی طوایف مختلف بلوچ در سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳.
- تأسیس جبهه آزادی‌بخش بلوچستان در سال ۱۴۴۳ به رهبری فردی به نام جمعه‌خان در پاکستان که به واسطه داشتن گرایشهای قوم‌گرایانه، تأثیر زیادی بر روی بلوچهای ایران و ایجاد نارضایتی از حکومت مرکزی داشت که نمونه بارز آن در فعالیت عبدی‌خان در ایران، قابل مشاهده است.
- ظهور و سقوط حزب دموکراتیک بلوچستان که بسته شدن پرونده فعالیت سیاسی آن در ایران به سال ۱۳۵۴ (جبهه ملی خلق ایران) با درگیری و خونریزی همراه بوده است.
- تأسیس سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان به رهبری مهندس رحمت حسین‌پور در سال ۱۳۵۸ که آرمانهای قومی را مدنظر داشت و در نتیجه دولت مجبور به واکنش و برخورد خشن با آن گردید.
- تأسیس کانون سیاسی - فرهنگی خلق بلوچ به سال ۱۳۵۸ در زاهدان که بیشتر در حوزه دانشگاهی فعالیت می‌کرد و متأثر از پاکستان بود.
- درگیری مسلحانه جبهه آزادی‌بخش بلوچستان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از هم‌پاشی آن.
- درگیری گروه پیشمرگ بلوچ به رهبری امان‌اله برکزایی با حکومت انقلابی و سقوط آن.
- درگیریهای سالهای ۷۱ تا ۷۴ در منطقه، متعاقب تخریب یکی از مساجد اهل سنت در مشهد و بستن مسجد دیگری در زاهدان که برخوردهایی را در مشهد، ایرانشهر و زاهدان به دنبال داشت.
- فهرست فوق دلالت بر مطرح بودن این گرایشها در منطقه دارد و این که به ویژه عوامل اقتصادی در این منطقه تأثیرگذار بوده و بنظر می‌رسد که عوامل اقتصادی

تحریک‌گر نارضایتی قومی هستند گذشته از این، همسایگی این منطقه با پاکستان را نیز نباید نادیده انگاشت. این همجواری با عنایت به وجود مشکلات اقتصادی، می‌تواند در تهییج و فعال‌سازی شکاف مؤثر باشد. اما در خصوص فعالیت عوامل هویت‌ساز، همچون زبان و نژاد، مشاهده می‌شود که فرهنگ ایرانی سلطه کامل دارد و بنابراین از این حیث خطری در میان نیست.

### ششم) قوم ترکمن (۴۰)

جمعیت ترکمن ایران که عمدتاً در شمال شرق کشور و در همجواری با ترکمنستان قرار دارند، به یک میلیون نفر بالغ می‌شود که اغلب از اهل تسنن می‌باشند. معارضه بین ترکمنها و دولت مرکزی از جمله معضلات حل‌نشده بوده که با همه تلاشهای به عمل آمده، مرتفع نگردیده است. ترکمنها چندان با مقولات نوینی چون ایدئولوژی‌آشنایی نداشته و خواهان نوعی حیات مستقل بوده‌اند و از این رو مشاهده می‌شود که مناطق ترکمن‌نشین، همواره مناطقی پر در دسر به شمار آمده‌اند که حتی در سال ۱۸۸۱ حکام ایران از این که طی قرارداد موسوم به آخال بخشی از این مناطق از ایران جدا شده و به روسیه داده می‌شود، با خوشحالی هیچ‌گونه ادعای حقوقی‌ای را مطرح نمی‌سازند! در مجموعه آن چه خلق ترکمن آزموده است نه ناسیونالیسم ترکمن بلکه شورشهای مستمری بوده که در قالب خواستارهای محدود ترکمنها برای نفی هرگونه دخالتی در امورشان، صورت می‌گرفته است؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- همدستی با مخالفان مشروطه جهت سرکوب مشروطه‌خواهان
- تأسیس شورای ده نفری در ۱۳۰۳ و فعالیت آشکار در مخالفت با حکومت مرکزی
- همکاری ترکمنهای ایران با ترکمنهای جمهوری ترکمنستان و تشدید برخورد با دولت مرکزی.

● سوءاستفاده از وضعیت پس از انقلاب اسلامی در ایران و ظهور جنبش موسوم به خلق ترکمن که درگیریهای خونینی را در شهرهایی مثل گنبدکاووس، در سال



۱۳۵۸ به دنبال داشت.

در مجموع با توجه به توصیف به عمل آمده از وضعیت گروه‌های قومی در ایران، می‌توان به دو نکته زیر در خصوص بُعد نرم‌افزارانه ظرفیت طبیعی امنیت در ایران، اشاره کرد:

اولاً: فعالیتهای قومی در ایران به صورت مستقل، مثلاً ناسیونالیسم کرد، ترک و.... چندان فعال نبوده و چنین به نظر می‌رسد که همبستگی مورد نیاز (میان اقوام) وجود دارد. ثانیاً: در حال حاضر گرایشهای سیاسی قومیتها در ایران، بیشتر متأثر از ملاحظات اقتصادی، دینی و فعالیتهای برون مرزی می‌باشد.

جدول شماره (۲) ضمن بیان نکات فوق، زمینه را برای آسیب‌شناسی مقوله قومیتها در ایران و همسایگان آنها، معلوم می‌شود که متأسفانه:

الف): کلیه قومیتهای ایرانی در مناطق مرزی ایران مستقر هستند.

ب): این قومیتها تقریباً به هم پیوسته و در کل متمرکز به حساب می‌آیند.

ج): همجوار با گروههای قومی مشابه خود در کشورهای همسایه هستند.

جدول شماره (۲): وضعیت گروههای قومی مختلف در ایران

گروه قومی	جمعیت (میلیون نفر)	حوزه سکونت سکونت	همسایگان	آرایش جمعیتی	مذهب	وضعیت اقتصادی	عامل فعالیت	محوراسلی گرایش سیاسی	میزان فعالیت گسته
ترک	۲۵	اردیل، آذربایجان غربی و شرقی	ترکیه، جمهوری آذربایجان	پراکنده	شبه	نسبتاً خوب	زبان	خودمختاری، استقلال	کم
کرد	۴.۵	کردستان، شمال خراسان، کرمانشاه	عراق، ترکیه، همدان، آذربایجان غربی	نیمه متمرکز	سنی	متوسط به پایین	دین، زبان	استقلال طلبانه	متوسط
عرب	۱	خوزستان	عراق	متمرکز	شبه	متوسط	زبان، زاد	ناسیونالیسم	کم
لر	۳.۴	لرستان، کهگیلویه بویراحمد، ایلام	عراق	نیمه متمرکز	شبه	پایین	-	خودمختاری، قبیله‌ای	خیلی کم
بلوچ	۲	سیستان و بلوچستان	پاکستان، افغانستان	متمرکز	سنی	پایین	دین، اقتصاد	استقلال طلبی	متوسط
ترکمن	۱	مازندران	ترکمنستان	متمرکز	سنی	متوسط	زبان، دین	استقلال طلبی	خیلی کم

بدیهی است که این شیوه استقرار که در قرون سابق شکل گرفته و هم اینک یکی از داده‌های طبیعی برای امنیت ایران به شمار می‌رود، کاملاً آسیب‌پذیر بوده و ممکن

۹۰ قومیت و قوم‌گرایی؛ چالش گذشته، حال و آینده

است در صورت پیش نگرفتن یک راهبرد کلان و مناسب، زمینه ساز ظهور خشونت‌های احتمالی در آینده گردد. به همین منظور در آخرین فصل از این نوشتار نگاهی خواهیم افکند به راهبردهای مؤثری که می‌توانند در این زمینه کارآمد باشند.

### چاره‌جویی‌هایی برای حل بحران

برای حل بحران قومیت راهبردهای زیر بنظر می‌رسد:

- ۱- تأکید بر غلقه‌های ملی و مذهبی برای جلوگیری از خواستهای تجزیه طلبانه آنها.
- ۲- پرهیز از سرکوب شدید: از نظر روان‌شناسی بعنوان مثال اگر تمام راهها را بر کبوتری مسدود کنیم و آن را مدام اذیت نمائیم اگر کمترین راهی پیدا کند، ضربه‌ای به ما می‌زند که چندین برابر ضربه عادی است که کبوتری می‌تواند به دشمن خود بزند. این مثالی است که می‌توان به امر قومیتها تعمیم دهیم و از آن احتراز نمائیم.
- ۳- جلوگیری از بسط محرومیت
- ۴- عدم تحقیر قومیتها
- ۵- ایجاد نظام آموزشی فراگیر و کارآمد
- ۶- جامعه به جای ملت
- ۷- توجه به امر تعدد فرهنگی و تعدد حزبی
- ۸- توجه به صنعتی شدن استانها و تأکید بر امر تمرکز

### نتیجه‌گیری

از آنجا که قومیت یکی از شاخصه‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به ثبات به حساب می‌آید، امنیت کشورها در دهه آینده بدون توجه به این بُعد رقم نخواهد خورد. در جمهوری اسلامی ایران نیز به نظر می‌رسد که این موضوع با توجه به تعدد گروههای قومی و بیشتر تاریخی‌شان خواه و ناخواه مطرح خواهد شد. شکل‌گیری یک قطب قومیتی (که عمدتاً غرب و جنوب کشور را تحت پوشش

قرار می‌دهد) و همراه شدن آن دو با گسست دینی و بویژه اقتصادی، در چارچوب منافع کشورهای بیگانه (که متأسفانه در طول تاریخ از این اهرم بارها بهره برده‌اند) میتواند خطر آفرین باشد که می‌طلبد راهبردهای کلان و پیچیده‌ای، مشتمل بر لایه‌های تاکتیکی متعدد و متنوع، توسط نظام، طراحی و پیش‌بینی گردد.

**فهرست منابع و مأخذ:**

- الطائی، علی (بحران هویت قومی در ایران)، تهران، غزال، ۱۳۷۸
- احمدی، حمید، قومیت رقوم‌گرایی در ایران افسانه و واقعیت، تهران - نی، ۱۳۷۹
- افتخاری، اصغر، ظرفیت طبیعی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، پائیز و زمستان، ۱۳۷۸.
- بهرامی، روح‌اله، سیاست قومی پهلوی اول، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول بهار ۱۳۷۷
- صدر، ضیاء، کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، تهران، اندیشه نو، ۱۳۷۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیتها براساس قانون قرارداد نقه، تهران ۱۳۷۰.